

معنی جملات و شعرهای مهم

فارسی هفتم



• ای نام تو بهترین سر آغاز / بی نام تو نامه کی کنم باز

خدایا نام تو بهترین نام برای شروع هر کاری است و من بدون نام تو کتابم را آغاز نمی کنم

• ای هست کن اساس هستی / گونه ز درت دراز دستی

ای خدایی که پایه و اساس جهان را ایجاد کرده ای ، ظلم و ستم در درگاه تو وجود ندارد .
(یعنی تو به کسی ظلم و ستم نمی کنی)

• هم تو به عنایت الهی / آنجا قدمم رسان که خواهی

خدایا ، با لطف و بخشش خداوندی ، مرا به آن جایگاهی که می پسندی و صلاح می دانی برسان .

• شبنم از روی برگ گل برخاست / گفت می خواهم آفتاب شوم

• ذره ذره به آسمان بروم / ابر باشم دوباره آب شوم

قطره کوچک از روی برگ گل بلند شد و گفت : می خواهم مثل خورشید بزرگ و نورانی باشم . آهسته آهسته به آسمان بروم و ابر بشوم و دوباره تبدیل به قطرات باران شوم .
(همیشه در چرخه طبیعت و در جریان باشم)

• تا افق های دور کوچ کنم / باز پیغمبر بهار شوم

می خواهم تا سرزمین های دور دست پرواز کنم و دوباره پیام آور رسیدن فصل بهار باشم .

• کاش روزی به کام خود برسید / بچه ها آرزوی من این است

بچه ها ، آرزوی من این است که شما به آرزوهای خود برسید.

• گفت : جان پدر تو نیز اگر بختی ، به از آن که در پوستین خلق افتی.

گفت : عزیزم ، تو هم اگر بخوابی بهتر از این است که پشت سر مردم حرف بزنی (غیبت کنی)

• برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

هر برگ سبز درخت از نظر انسان هوشیار و آگاه مثل کتابی است که باعث شناخت خداوند می شود .

• ای خدا ای فضل تو حاجت روا / با تو یاد هیچ کس نبود روا

خدایا ، لطف و بخشش تو ، نیازهای ما را برآورده می کند و با وجود تو شایسته نیست ما کس دیگری را یاد کنیم .

• بی ادب تنها نه خود را داشت بد / بلکه آتش در همه آفاق زد

انسان بی ادب تنها به خودش بدی نمی کند بلکه بدی او شامل همه می شود. (به همه آسیب می زند)

• هر چه سرما و هر چه دلسردی / پر زد آهسته از نظر گم شد .

با فرا رسیدن بهار ، همه سرما و همه ناامیدی ها از بین رفت .

• تو را پرواز بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار

پرواز برای تو هنوز هم زود است و هم سخت و از افراد تازه کار ، کسی انتظار کار زیاد ندارد .

• **نگشت آسایشم یک لحظه دمساز / گهی از گربه ترسیدم گه از باز**

در زندگی حتی یک لحظه هم آسایش و آرامش نداشتم . گاهی از گربه ترسیم و گاهی از پرنده شکاری .

• **نگردد شاخک بی بن برومند / ز تو سعی و عمل باید ز من پند**

شاخه کوچک بدون ریشه قوی و بارور نمی شود . تو باید سعی و تلاش کنی و من باید به تو پند بدهم .

• **آن دست که زیر سر مادرم بود . خون اندر آن خشک شده بود .**

آن دستی که زیر سر مادرم گذاشته بودم ، بی حس و بی حرکت شده بود.

• **گفتم : ای تن ! رنج از بهر خدای بکش .**

گفتم ای بدن ، به خاطر خشنودی خدا این سختی ها را تحمل کن .

• **یارب ، تو از وی خشنود باشو درجتش درجه اولیا گردان .**

خدایا ، تو از او (پسر م) راضی باش و او را در مرتبه و جایگاه دوستان خودت قرار بده .